

# نهنگ: ماهی، خزنده یا پستاندار؟

## پاسخ سردبیر

رایانامه شما مرا به یاد مقاله‌ای انداخت که ۹ سال پیش نوشته‌ام<sup>۱</sup>. در این مقاله واژه‌های زیست‌شناختی موجود در متون درسی را در ۱۰ گروه جای داده‌ام و دهمین گروه را «واژه‌های آشفته» نامیده‌ام.

واژه آشفته واژه‌ای است که مفهوم‌های متفاوت دارد، مانند فراگشت که به پیشنهاد فرهنگستان زبان و ادب فارسی هم به مفهوم متابولیسم است و هم به مفهوم تکامل. از آنجا که یکی از ویژگی‌های نوشته‌های علمی دقت در عین صحت است، کاربرد واژه‌های آشفته در متون علمی خطایی بزرگ به شمار می‌رود.

باری، شما پرسیده‌اید که آیا نهنگ خزنده است یا پستاندار. پاسخ من این است: هر دو؛ چون نهنگ نیز از واژه‌های آشفته است و در نوشته‌های فارسی نه تنها «خزنده» و «پستاندار» است، بلکه «ماهی» نیز به شمار رفته است.

دهخدا با استناد به منابع مختلف نهنگ را تمساح دانسته و نوشته است که «... نهنگ از خزندگان آبی است...» و «... گویند بیضه در کرائه آب و در زیر ریگ نهد». ایشان هم چنین برای اثبات این مدعا نمونه‌هایی از نوشته‌ها و اشعار شاعران قدیم فارسی را آورده است که در آن‌ها تمساح رود نیل را نهنگ دانسته‌اند؛ مانند:

اندر رود نیل نهنگ است بسیار (حدودالعالم)

ز آن می‌که گر سرشکی ز آن برچکد به نیل، صد سال مست باشد از بوی آن نهنگ (رودکی)،

بر کشتی عمر تکیه کم کن، کاین نیل نشیمن نهنگ است (رودکی).

به طور کلی در نوشته‌های قدیم فارسی واژه نهنگ مترادف با تمساح به کار می‌رفته است؛ در حالی که امروزه این گونه نیست. در نوشته‌های جدید نهنگ را مترادف با «وال» می‌دانند. فرهنگستان زبان و ادب فارسی هم آن را تصویب کرده و نه فقط

آقای کامران دوستکام، معلم زیست‌شناسی، دهدشت پرسیده‌اند:

۱. در کتاب جانورشناسی خانم دکتر طلعت حبیبی، نهنگ‌ها، راسته‌ای از خزندگان معرفی شده‌اند (جلد چهارم- ص ۲۳۹)

۲. در کتاب جانورشناسی مهره‌داران، خانم دکتر منیژه کرمی (عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد)، نهنگ‌ها معادل راسته آبازان از رده پستانداران معرفی شده‌اند (جلد دوم- ص ۳۱۳)،

۳. ویکی‌پدیای فارسی، نهنگ را به معنی وال (Whale)، نوعی پستاندار آبی، معرفی کرده است،

۴. در اغلب فیلم‌های مستند تلویزیونی وال را نشان می‌دهند و آن را نهنگ معرفی می‌کنند،

۵. اغلب مردم نیز نهنگ را همان وال می‌دانند،

۶. فرهنگ لغت دهخدا: الف. نهنگ‌ها نوعی از خزندگان آبی هستند دارای دندان‌هایی که درون حفره آرواره جا گرفته‌اند؛ دل آن‌ها چهار حفره دارد،

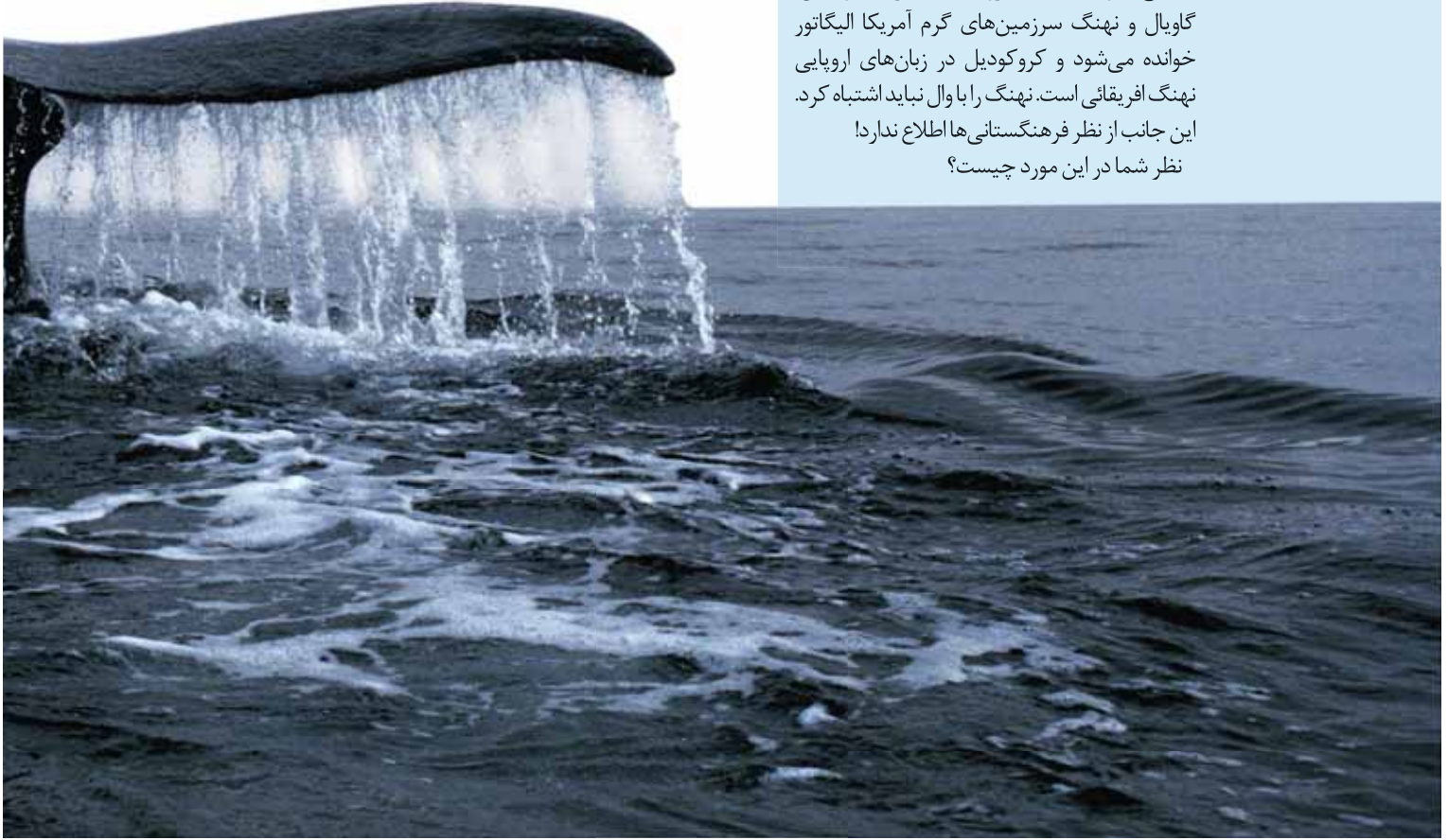
گردش خون و دستگاه تنفس آن‌ها کامل‌تر از دیگر خزندگان است. ب. پورداود نوشته‌اند «نهنگ همان

جانوری است که در لاتینی کروکودیلوس و در عربی تمساح خوانند، نهنگ رود گنگ در هندوستان،

گلوبال و نهنگ سرزمین‌های گرم آمریکا الیگاتور خوانده می‌شود و کروکودیل در زبان‌های اروپایی

نهنگ افریقائی است. نهنگ را با وال نباید اشتباه کرد. این جانب از نظر فرهنگستانی‌ها اطلاع ندارد!

نظر شما در این مورد چیست؟



وال، بلکه همه مشتقات آن را هم مشتقات نهنگ دانسته است<sup>۲</sup>. مثلاً در کتاب هزار واژه<sup>۳</sup> که محتوی گلچینی از واژه‌های مصوب فرهنگستان است، چنین آمده است: نهنگیان: تیره‌ای از راستهٔ آب‌بازسانان با بدن و سر بزرگ که بالهٔ پشتی ندارند و بیشتر سیاه هستند و سپس گروهی از آن‌ها را معرفی کرده است، مانند نهنگ منقاریان، نهنگ گرینلندی، نهنگ پردندان گرینلندی، نهنگ بزرگ بالهٔ کیسه‌گلو، نهنگ بزرگ بالهٔ عدنی، نهنگ بزرگ بالهٔ شمالی، نهنگ بزرگ بالهٔ جنوبگانی، نهنگ بزرگ بالهٔ تنومند، نهنگ بزرگ باله‌ایان، نهنگ برینگی برد، نهنگ ابربالهٔ نیوانگلندی که البته همه جا منظور همان پستاندار آبی، یعنی وال است.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی توصیه کرده است حتی برای یاد کردن از عمل مشاهدهٔ وال‌ها و سایر پستانداران دریایی در زیستگاه‌های طبیعی‌شان از اصطلاح «نهنگ‌نگری» استفاده کنیم و نیز به «وال عنبر» بگوییم «عنبر نهنگ».

این جانب از علت این تصمیم و تغییر ناگهانی مفهوم نهنگ نزد فرهنگستانی‌های محترم آگاهی چندانی ندارم و نمی‌دانم چرا ایشان پیشینهٔ غنی این واژه را که به فراوانی در متون فارسی به مفهوم «تمساح» به کار گرفته شده است، نادیده گرفته‌اند و «وال» را نهنگ دانسته‌اند؛ اما به نظر احتمالاً فرهنگستانی‌ها تصور کرده‌اند که «وال» واژه‌ای بیگانه و همان whale انگلیسی است که در زبان فرانسوی به شکلی متفاوت بالن (baleine) نامیده می‌شود. در حالی که این طور نیست، بلکه «وال» واژه‌ای است که در زبان فارسی سابقه‌ای دیرینه دارد. مثلاً ابونصر علی‌بن احمد اسدی طوسی شاعر معروف قرن پنجم هجری که در سال ۴۶۵ هجری در تبریز گذشته و نخستین واژه‌نامهٔ فارسی موجود، یعنی «لغت فرس» را تدوین کرده است، در قسمتی از شعر بلند خود چنین سروده است:

یکی مرده ماهی همان روزگار  
برافکند موجش به سوی کنار  
که گز سیصدی بود بالای او  
فزون از چهل بود پهنای او  
کشیدند از آب اندرون هم گروه

به کشتی به خشکی مر آن پاره کوه  
بسی گوهر و زر بد او باشته  
همه سینه‌اش عنبر انباشته  
دگر هر چه ماند از بزرگان و خرد  
ز بهر خورش پاره کردند و برد  
بماند از شگفتی سپهبد به جای  
بدو گفت مهرآج فرخنده رای  
که آن ماهی است اینکه خوانند «وال»

وزین مه بس افتد هم ایدر به سال  
این قطعه شعر که به‌عنوان سند و شاهد آوردم، خود به آشفتگی واژهٔ مورد نظر می‌افزاید؛ چون همان گونه که مشاهده می‌کنیم، اسدی طوسی وال را که پستانداری از راستهٔ آب‌بازان است، نوعی ماهی به شمار آورده است؛ حتی در فرهنگ معین نیز در برابر واژهٔ نهنگ نوشته است: «بالن، نوعی ماهی بسیار بزرگ دریایی». آشفتگی واژهٔ نهنگ در ادبیات فارسی وقتی بیشتر آشکار می‌شود که بخواهیم بدانیم سال نهنگ که از دوره‌های دوازده سالهٔ مغولی است، سال «تمساح» است یا سال «وال»!

بنابراین، واژهٔ نهنگ در ادبیات قدیم فارسی به معنی «تمساح»، اما در ادبیات امروز به معنی «وال» به کار می‌رود. حتی اگر هم فرهنگستانی‌های محترم بخواهند مفهوم قدیم «تمساح» را به این واژه بازگردانند. آشفتگی این واژه اکنون به اندازه‌ای رسیده که به نظر نمی‌رسد به این زودی‌ها کاهش یابد. پیشنهاد این جانب آن است که برای جلوگیری از تشتت و آشفتگی متون علمی از واژهٔ «نهنگ» درگذریم و به جای آن در مورد خزندگان واژه‌های تمساح و کروکودیل، اما در مورد پستانداران آب‌باز واژهٔ «وال» را به کار ببریم؛ چون نوشتهٔ علمی باید حتی‌الامکان دقیق باشد تا خواننده را به دردرس و آشفتگی نیندازد.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. کرام‌الدینی، م.؛ نگاهی به واژگان زیست‌شناسی در کتاب‌های درسی امروز، رشد آموزش زیست‌شناسی، شمارهٔ ۳، بهار ۱۳۸۵؛ صص ۳۱-۳۳
۲. [http:// www.persianacademy.ir/fa/word/](http://www.persianacademy.ir/fa/word/)
۳. هزار واژه‌های زیست‌شناسی & مجموعهٔ واژه‌های زیست‌شناسی عمومی، علوم گیاهی، علوم جانوری، ژن‌شناسی، پروتئین‌شناسی، میکروبی‌شناسی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۹۰.
۴. به یاد بیاوریم که هنوز عده‌ای نرم‌تن مرکب را «ماهی مرکب» می‌نامند؛ در حالی که ماهی از مهره‌داران است.
۵. سال‌های مغولی به ترتیب چنین‌اند: موش و بقر و پلنگ و خرگوش شملر زین چارچو بگذری نهنگ آید و مار
- آنگاه به اسب و گوسفند است حسلب همدونه و مرغ و سگ و خوک آخر کار
۶. سال ۱۳۹۴ مطابق با تقویم مغولی سنال گوسفند بود؛ اما بسیاری که احتمالاً از تفاوت گوسفند با بُر غافل‌اند، آن را سال بُر می‌دانستند.

